

تحلیلی بر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی جامعه روستایی ایران در ارتباط با تأمین اجتماعی

عبدالرضامسلمی* - دکتری برنامه‌ریزی روستایی و کارشناس ارشد توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی
فرهاد حیدری** - کارشناس مسئول برنامه‌ریزی آموزشی

چکیده

سیاست توسعه رفاه اجتماعی Social Welfare امروزه به عنوان اساسی‌ترین ابزار تحقق عدالت اجتماعی و توسعه منابع انسانی به شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رفاه اجتماعی در هر کشوری، میزان پوشش بیمه‌های تأمین اجتماعی است. علیرغم گذشت چندین دهه از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تعمیم و توسعه بیمه اجتماعی در ایران، هنوز هم بسیاری از گروه‌ها و اقشار جامعه تحت پوشش سیستم رفاه اجتماعی و بیمه‌ها قرار نگرفته‌اند. جامعه روستایی در ایران علیرغم نقش‌پذیری‌های مهمی که در عرصه اجتماعی و اقتصادی برعهده دارد هیچ‌گاه به صورت جدی مورد هدف سیاست‌ها و برنامه‌های رفاه اجتماعی قرار نگرفته است. محقق نشدن این مهم از نظر برخی صاحب‌نظران به پیچیدگی اجتماعات روستایی، پراکندگی و تعدد فعالیت مرتبط می‌شود. این مسأله در حالی مطرح می‌شود که تجارب جهانی نشان می‌دهد، بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با بررسی و شناخت خصوصیات جامعه روستایی خود، راهبردهای منطقی و مناسبی را برای استقرار نظام رفاه اجتماعی در این جوامع طراحی و به کار گرفته‌اند. مقاله پیش روی خلاصه‌ای از یک طرح پژوهشی در خصوص شناخت ویژگی‌های اجتماعی، جمعیت‌شناختی و اقتصادی جوامع روستایی ایران است که توسط نگارنده و به سفارش مؤسسه عالی پژوهشی تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۲ انجام گرفته است. در اینجا ضمن تشکر و قدردانی از اهتمام و حمایت این مؤسسه، خلاصه‌ای از نتایج آن ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌ی روستایی ایران، تأمین اجتماعی، رفاه اجتماعی، بیمه اجتماعی.

* . Email : moslemi64@gmail.com

** . Email : F.heydari@yahoo.com

مقدمه

تأمین اجتماعی اعم از حمایت و بیمه‌های اجتماعی یک حق اساسی مسلم برای تمام افراد جامعه است و برابر اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی (بویژه ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار) و همچنین اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی، تأمین این حق جزو تکالیف دولت برشمرده می‌شود. سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی و گسترش برنامه‌های تأمین اجتماعی به تمام جمعیت کشور از جمله اقداماتی است که بسیاری از دولت‌ها در چند دهه اخیر به آن اهتمام داشته و تلاش‌هایی را جهت تحقق آن به کار گرفته‌اند. علیرغم تمام تلاش‌های انجام شده، تعمیم و توسعه تأمین اجتماعی به همه اقشار جامعه، همواره با دشواری‌ها و تنگناهایی مواجه بوده است که در نتیجه آن، برخی از اقشار و گروه‌های جامعه از دستیابی به تأمین اجتماعی و برخورداری از خدمات آن محروم هستند. در کشور ما ایران نیز با وجود کوشش‌هایی که طی ۵۰ سال گذشته در حوزه‌های مختلف تأمین اجتماعی انجام شده است، هنوز بخش قابل توجهی از جمعیت کشور از پوشش تأمین اجتماعی و دسترسی به خدمات آن بی‌بهره‌اند برخورداری از پوشش تأمین اجتماعی مطابق قوانین و مقررات تأمین اجتماعی کشورمان منوط به شاغل بودن، دریافت مزد و حقوق و داشتن کارفرمای مشخص است مانند کارگران و کارکنان دولت که تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار گرفته‌اند و برخی از اقشار و گروه‌های جمعیت نیز به تناسب شرایط جسمی، اجتماعی و... تحت پوشش سازمانها و برنامه‌های حمایتی و خیریه قرار گرفته‌اند. در این میان بیش از ۲۳ میلیون نفر از جمعیت روستایی کشورمان که حدود ۳۸ درصد جمعیت کل کشور را شامل می‌شوند و نقش مهم و اساسی در تأمین بخش عمده‌ای از مواد غذایی، مواد خام و اولیه مورد نیاز کشور، بهره‌گیری از منابع و پتانسیل‌های بالقوه طبیعی کشور را برعهده دارند از خدمات تأمین اجتماعی برخوردار نیستند، این مهم در حالی است که روستاییان به دلیل ماهیت و نوع فعالیت همواره در معرض خطرات و آسیب قرار دارند و نیازمند حمایت‌های اجتماعی و خدمات بیمه‌ای هستند. در چند دهه گذشته بسیاری از خانوارهای روستایی برای برخورداری از خدمات، تسهیلات و امکانات رفاهی، بهداشتی و حمایتی، با رها کردن منابع تولیدی خود در روستاها به مراکز شهری مهاجرت نموده‌اند تا اینکه با اختیار کردن یک شغل در مراکز دولتی و یا خصوصی، آینده خود را از طریق تأمین اجتماعی تعیین نمایند که چنین مسأله‌ای نیز عموماً محقق شده است. به همین خاطر است که کارشناسان و متخصصان متأخر توسعه روستایی، به ابعاد عدالت اجتماعی و توسعه منابع انسانی از طریق توسعه یکپارچه تأکید می‌نمایند. با این حال پرداختن به مقوله تأمین اجتماعی برای اقشار و گروه‌های متفاوت بیش از ۲۳ میلیون نفر جمعیت روستایی با تفاوت‌های بیشمار و مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و همچنین تفاوت‌هایی فضایی در توزیع امکانات زیربنایی کشور، امری ساده نیست و نیازمند بررسی‌های کارشناسی و پیش‌بینی راهکارهای علمی و مناسب است. علاوه بر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه روستایی، شناخت ابعاد اقتصادی

مانند اشتغال و درآمد و پس‌انداز و همچنین قشربندی اجتماعی نیز از جمله مؤلفه‌های مهم توسعه و تأمین اجتماعی در روستاها به شمار می‌رود. مطالعه و ارائه تصویری شفاف از وضعیت موجود جامعه روستایی در ابعاد مختلف اجتماعی اقتصادی و همچنین برآورد و پیش‌بینی روند تحولات جمعیتی و اقتصادی جامعه روستایی در رابطه با مباحث تأمین اجتماعی از نیازهای اساسی دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران مربوط به شمار می‌رود. در این مقاله ضمن اشاره به شرایط جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی، به تحلیل ویژگی‌های تأمین اجتماعی روستائیان می‌پردازیم.

بررسی شمار و ترکیب سنی و جنسی جمعیت ساکن در مناطق روستایی

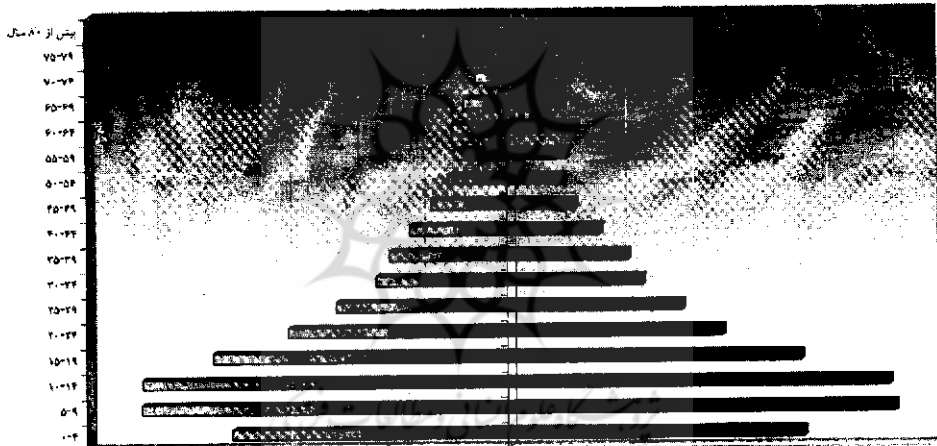
شمار جمعیت مناطق روستایی ایران، براساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ و با پذیرش تعریف آماری روستا در این نوع از سرشماری‌ها معادل ۲۳۰۲۶۲۹۳ نفر بود. این میزان از جمعیت، ۲۸/۳۴ درصد کل جمعیت کشور را شامل می‌شود. از کل جمعیت مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۷۵، ۱۱۶۰۴۹۷۲ نفر (معادل ۵۰/۴ درصد) را مردان و ۱۱۴۲۱۳۲۱ نفر (معادل ۴۹/۶ درصد) را زنان تشکیل می‌دادند. به عبارت دیگر نسبت جنسی جمعیت در مناطق روستایی کشور معادل ۱۰۱/۶ نفر بود. این بدین معنی است که به ازای هر ۱۰۰ نفر زن، نزدیک به ۱۰۲ نفر مرد در روستاهای کشور ساکن بودند. بررسی ترکیب سنی جمعیت مناطق روستایی کشور نشان می‌دهد که گروه سنی (۵-۹) ساله با اختصاص ۱۵/۵ درصد کل جمعیت روستایی به خود بیشترین سهم جمعیتی را در بین گروه‌های سنی دارد. پس از این گروه سنی، گروه سنی (۱۴-۱۰) ساله با اختصاص ۱۵/۳۴ درصد و سپس گروه سنی (۱۹-۱۵) ساله با ۱۲/۰۶ درصد قرار دارند. سهم و شمار جمعیت گروه سنی (۴-۰) ساله نسبت به گروه‌های سنی بالاتر در اثر عواملی چون سیاست‌های بهداشتی و کنترل جمعیت، تورم و فشارهای اقتصادی، فقر و مهاجرت با کاهش روبرو شده است. به گونه‌ای که این گروه سنی ۱۱/۷۴ درصد جمعیت مناطق روستایی کشور را به خود اختصاص داده است. بنابراین مجموع ۴ گروه سنی اول یعنی سنین (۱۹-۰) ساله بیش از نصف جمعیت مناطق روستایی را به خود اختصاص می‌دهند (دقیقاً ۵۴/۶۴ درصد جمعیت) و ۱۳ گروه سنی دیگر (گروه‌های سنی بالای ۲۰ سال) کمتر از نصف جمعیت مناطق روستایی را به خود اختصاص می‌دهند. این ساختار سنی حکایت از جمعیت بسیار جوان ساکن در مناطق روستایی کشور دارد. به طور معمول در مباحث جمعیت‌شناسی، چنانچه سهم جمعیت زیر ۲۰ سال از ۴۰ درصد کل جمعیت بالاتر باشد، جمعیت جوان محسوب می‌شود. حال با توجه به سهم ۵۴/۶۴ درصدی جمعیت زیر ۱۰ سال روستایی، جوانی جمعیت بی‌تردید غیرقابل اغماض است. چنین ساختار سنی، تأثیرات فراوانی بر بعد خانوار، بار تکفل، اشتغال و مسائل بیمه و حمایت تأمین اجتماعی و بویژه روندهای آتی هر کدام از متغیرهای یاد شده فوق می‌گذارد. نمودار (۱) هرم سنی و جنسی جمعیت مناطق روستایی کشور را در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد.

جمعیت ۲۳ میلیونی مناطق روستائی کشور در قالب ۴۴۰۵۶۰۳ خانوار سکونت دارند. این امر بدین معنی است که بعد خانوار مناطق روستائی کشور در سال ۱۳۷۵ معادل ۵/۲۳ نفر در هر خانوار می باشد.

بررسی میانگین سنی

بررسی ها نشان می دهد که در سال ۱۳۷۵ میانگین سنی جمعیت مناطق روستائی کشور معادل ۲۳/۸۳ سال بوده است. به عبارت دیگر متوسط سن ساکنین مناطق روستائی کشور حدود ۲۴ سال بوده است. این امر در مورد زنان ۲۳/۷۵ سال و در مورد مردان ۲۳/۹۱ درصد بوده است که حکایت از جوانی بیشتر جمعیت در بین زنان دارد.

نمودار ۱- هرم سنی جمعیت مناطق روستائی کشور در سال ۱۳۷۵



(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق، ۱۳۷۵) *پتال جامع علوم انسانی*

اشتغال سرپرستان خانوار

در سال ۱۳۷۵ از مجموع ۴۴۰۵۶۰۳ خانوار روستائی، تنها ۳۶۲۶۱۵۳ خانوار دارای سرپرست شاغل بودند. به عبارت دیگر ۸۲/۳ درصد سرپرستان خانوارهای روستائی شاغل بودند. این در حالی است که ۱۴۴۳۸۵ سرپرست خانوار که معادل ۳/۲۸ درصد خانوارهای روستائی است، بیکار بودند. ۶/۶ درصد سرپرستان خانوارها، دارای درآمد بدون کار بودند. به عبارت دیگر، عایدی دیگری غیر از اشتغال داشتند. ۴/۴۴ درصد سرپرستان خانوارهای روستائی خانه‌دار و ۰/۳۱ درصد محصل بودند. حدود ۳ درصد سرپرستان خانوارها نیز وضعیت فعالیتی سایر و اظهار نشده بودند. مقایسه ترکیب فوق با ترکیب وضع فعالیت سرپرستان خانوارهای مناطق شهری که ۷۷/۳۵ درصد شاغل، ۳/۷۵ درصد بیکار، ۱/۱۶ درصد محصل، ۵/۴۶ درصد خانه‌دار

و ۹/۴ درصد دارای درآمد بدون کار بود، نشان از وضعیت مناسب‌تر خانوارهای مناطق روستائی نسبت به مناطق شهری دارد چرا که سهم نسبتاً بالائی از سرپرستان خانوارهای مناطق روستائی شاغلند و در مقابل سهم سایر گروه‌ها در وضع فعالیت سرپرستان خانوار مناطق روستائی پائین‌تر از مناطق شهری بوده است.

ترکیب وضع شغلی شاغلین

بررسی ترکیب وضعیت شغلی شاغلین هر گروه فعالیت، در ارتباط با تأمین اجتماعی این ایده را مطرح می‌سازد که می‌توان مشاغل روستائی را از نظر تأمین اجتماعی به چند گروه طبقه‌بندی نمود:

۱- بسیاری از شاغلین ساکن در مناطق روستائی، از طریق کارفرمایان خود که عمدتاً دولت می‌باشند، تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی هستند. در مجموع می‌توان شاغلین بخش عمومی را از جامعه هدف این طرح خارج نمود. هر چند ممکن است برخی از این شاغلین به صورت قراردادی باشند و از طریق کارفرمایان دولتی خود بیمه نشده باشند (نظیر برخی معلمین، کارکنان بانک‌ها)، لیکن این گروه شاغلین باید توسط نهادهای دولتی مربوطه و با ضوابط نهاد مربوطه و تحت سازمانی که نهاد مربوطه کارکنان خود را تحت پوشش بیمه‌ای آن قرار داده است (که عمدتاً سازمان خدمات درمانی و یا سازمان‌های بیمه‌ای وابسته به نهاد نظیر ارتش می‌باشد) قرار گیرند و نمی‌توان آنها را از طریق سازمان تأمین اجتماعی تحت پوشش قرار داد.

۲- بخشی از مشاغل بویژه مشاغل حمل و نقل در چند سال گذشته از طریق اتحادیه‌ها و یا بخش نامه‌ها و دستورالعمل‌های دولتی تحت پوشش بیمه‌های تأمین اجتماعی قرار گرفته‌اند. لذا از جامعه هدف این طرح خارج می‌شود.

۳- گروهی از شاغلین بخش خصوصی مناطق روستائی، حقوق‌بگیران کارفرمایان شهری هستند. این امر را می‌توان با ملاحظه نسبت مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی به کارفرمایان ملاحظه نمود. نسبت کارگر به کارفرما در مناطق شهری ۵/۴ نفر و در مناطق روستائی ۸/۴ نفر بود. حتی در خصوص برخی فعالیت‌ها از جمله استخراج معدن، صنعت ساخت، ساختمان و... این اختلاف بسیار بیشتر است. نسبت کارگر به کارفرما در گروه فعالیت معدن در مناطق شهری ۶/۱۵ و در مناطق روستایی ۲۶/۲۸ نفر بود. این امر در صنعت ساخت ۶ در مقابل ۱۸/۱۴ بود. از آنجا که انتظار می‌رود مشاغل کارفرمائی عمدتاً در شهرها شکل گرفته باشد تا در روستاها، بالا بودن نسبت مزد و حقوق‌بگیر به کارفرما می‌تواند به معنی سکونت کارفرمایان در شهر و کارگران در مناطق روستائی باشد. تحت پوشش قرار دادن این گروه تنها در مناطق روستائی بسیار دشوار است. حتی محل فعالیت برخی از این افراد نیز ممکن است در مناطق شهری باشد. بنابراین، جدی گرفتن ضوابط تأمین اجتماعی در روابط کارگری کارفرمائی مناطق شهری، می‌تواند بسیاری از شاغلین مناطق روستائی را که مزد و

حقوق بگیران کارفرمایان ساکن شهرها هستند را تحت پوشش تأمین اجتماعی در آورد.

۴- برخی از شاغلین مناطق روستائی بویژه در فعالیت های قالی بافی، گلیم بافی و زیلوبافی، مشاغل غیردرآمدزا برای فرد شاغل محسوب می شود. هر چند کل فعالیت در آمدی را نصیب خانواده می نماید. این گروه نیز بطور عمده تحت پوشش ماده واحده قانونی بیمه تأمین اجتماعی بافندگان قالی قرار گرفته و از گروه هدف خارج می شوند و سایر بافندگان غیرمشمول این قانون نیز زمانی که سرپرست خانوار تحت پوشش قرار گرفت، این اعضاء نیز تحت پوشش قرار می گیرند. بنابراین این شاغلین نیز می توانند از جامعه هدف این طرح خارج شوند. (البته لازم به توضیح است که منظور تنها خارج کردن کارکنان فامیلی بدون مزد و حقوق می باشد. در برخی مناطق کشور، قالی بافی به عنوان شغل اصلی سرپرست خانوار نیز محسوب می شود که تحت پوشش قانون فوق الذکر قرار می گیرد. اما این فرد تحت عنوان کارکن مستقل یا کارفرما ظاهر می شود نه کارکن فامیلی بدون مزد و حقوق).

۵- تحت پوشش بردن برخی فعالیت ها از جمله فعالیت های عمده فروشی و خرده فروشی، بخشی از فعالیت های هتل و رستوران (عمدتاً رستوران ها و بیشتر ساندویچی ها و جگرکی و چنین فعالیت هائی)، بخشی از سایر خدمات عمومی و اجتماعی و شخصی (نظیر حمام، آرایشگری، مسجد و...) و کارکنان بخش ساختمان و چنین فعالیت هائی؛ حتی در شهرها نیز صورت نگرفته است. به نظر می رسد برای این گروه از فعالیت ها چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستائی باید مطالعه ای ویژه صورت گیرد و راهکار متناسب با آنها داده شود. این بدین معنی نیست که این مشاغل نیز از جامعه هدف طرح تأمین اجتماعی روستائیان خارج شود، بلکه بدین معنی است که پوشش تأمین اجتماعی این گروه در مناطق شهری نیز شکل نگرفته و به نظر می رسد بهتر است بدون در نظر گرفتن محدوده های سیاسی در مورد این گروه چاره اندیشی شود.

۶- در نهایت اینکه، جامعه کشاورزی که نزدیک به نیمی از شاغلین روستائی را در بر می گیرد، به عنوان تنها بخش منحصر به فردی که خصلت صرف روستائی دارد و در مناطق شهری چندان جایگاه خاصی ندارد، در بحث پوشش تأمین اجتماعی حائز اهمیت است. چنانچه مشاهده شد اندکی کمتر از ۷۰ درصد مشاغلین این بخش به صورت خوداشتغالی و کارکن مستقل فعالیت می کنند. حدود ۱۲ درصد شاغلین این بخش مزد و حقوق بگیر و ۳/۴۶ درصد کارفرما. خصلت مهم دیگری که این بخش دارد، فصلی بودن فعالیت و مستمر نبودن در آمد می باشد که نمی توان به راحتی حق بیمه ماهیانه از کشاورزان اخذ نمود و باید راهکارهای مناسب اندیشیده شود.

۷- بنابراین با کسر شاغلین بخش دولتی و نیز شاغلین برخی گروه های فعالیتی نظیر حمل و نقل که بیشتر تحت پوشش واقع شده اند و نیز کسر کارکنان فامیلی بدون مزد و حقوق، علیرغم عدم کسر مشاغلی که کارفرمایان آنها در شهرها سکونت دارند، جامعه هدف تأمین اجتماعی روستائیان معادل ۳۷۴۰ هزار شاغل خواهد بود.

ترکیب سنی شاغلین هر یک از گروه‌های فعالیت

سن شاغلین از مهمترین شاخص‌های تأثیرگذار بر تأمین اجتماعی روستائیان است. در این بخش به بررسی ترکیب سنی شاغلین مناطق روستائی می‌پردازیم. برای اجتناب از طولانی شدن گزارش، ابتدا به بررسی ترکیب سنی شاغلین مناطق روستائی و سپس در هر گروه فعالیتی تنها به میانگین و میانه سنی شاغلین گروه می‌پردازیم. در مواردی که اطلاعات بیشتری مورد نیاز باشد، به بررسی تفصیلی تر ترکیب سنی در گروه فعالیتی مربوطه خواهیم پرداخت. بررسی هانشان می‌دهد که گروه سنی (۲۴-۲۰) سال با ۱۴/۸۸ درصد شاغلین مناطق روستائی، بیشترین سهم اشتغال را در این مناطق داشته است. پس از این گروه، گروه سنی (۲۹-۲۵) ساله با ۱۴/۰۶ درصد و گروه سنی (۱۹-۱۵) ساله با ۱۱/۶۴ درصد قرار می‌گیرند. بدین ترتیب سه گروه فوق در کنار گروه سنی (۳۴-۳۰) ساله که ۱۱/۳۱ درصد شاغلین را به خود اختصاص داده است، بیش از نیمی از شاغلین مناطق روستائی را در بر می‌گیرند. (۸۹/۵۱ درصد) نمودار (۲) ترکیب سنی شاغلین مناطق روستائی را نشان می‌دهد.

نمودار ۲- ترکیب سنی شاغلین مناطق روستائی در سال ۱۳۷۵

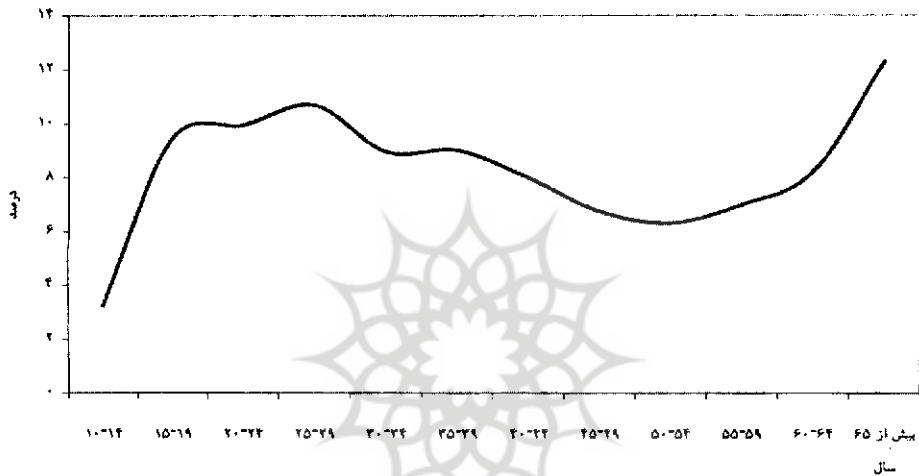


(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق، ۱۳۷۵)

نمودار (۲) نشان می‌دهد که توزیع سنی شاغلین مناطق روستائی تا گروه سنی ۵۰ ساله تقریباً نرمال است. اما وقتی در گروه سنی ۵۰ ساله به حداقل می‌رسد، مجدداً سهم شاغلین سنین بالاتر افزایش می‌یابد. میانگین سنی شاغلین مناطق روستائی معادل ۳۶/۱ سال و میانه سنی ۳۲/۷۲ سال می‌باشد. به عبارت دیگر، نیمی از شاغلین مناطق روستائی سنی بین ۱۰ تا ۳۲ سال و نیمی بیش از ۳۳ سال سن داشتند.

بررسی ترکیب سنی شاغلین گروه‌های فعالیتی نشان می‌دهد که به جز گروه فعالیتی کشاورزی، عمده و خرده‌فروشی و سایر خدمات عمومی و اجتماعی و شخصی، بقیه گروه‌های فعالیتی از ساختار نسبتاً نرمالی برخوردارند و افزایش بعدی را ندارند. افزایش سهم گروه‌های سنی بیش از ۵۰ ساله در گروه کشاورزی به قدری زیاد بود که کل شاغلین روستائی را نیز تحت تأثیر قرار داد. نمودار (۳) این توزیع را نشان می‌دهد.

نمودار ۳- توزیع سنی شاغلین گروه فعالیتی کشاورزی در مناطق روستائی در سال ۱۳۷۵



(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق، ۱۳۷۵)

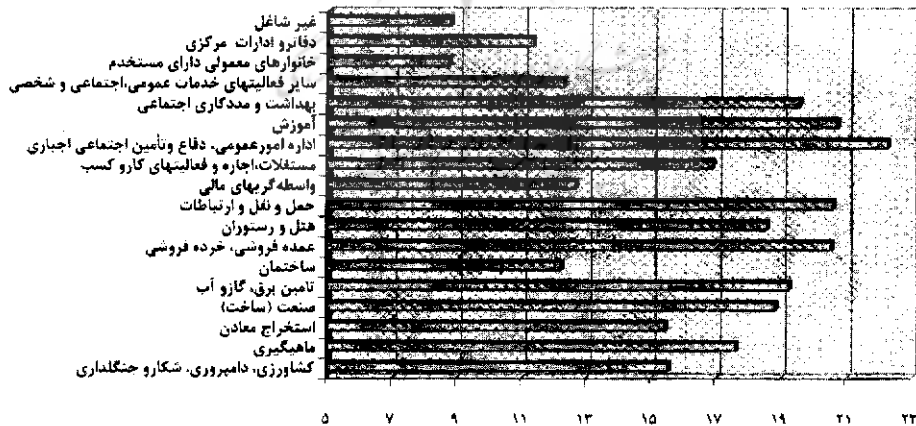
چنانچه ملاحظه می‌شود، علاوه بر اینکه بخش کشاورزی از متوسط سن بالائی برخوردار است، قسمت عمده‌ای از شاغلین این گروه فعالیتی در سنین بالا هستند و جالب‌تر اینکه سهم گروه‌های سنی ۵۰ ساله به بالا افزایش می‌یابد. شاغلین بالای ۶۵ ساله بیشترین سهم شاغلین گروه فعالیت کشاورزی را داشت. در مجموع ۳۴ درصد شاغلین این بخش بیش از ۵۰ سال سن داشتند. از آنجا که یکی از منابع مهم درآمدی سازمان تأمین اجتماعی، حق بیمه‌ای است که از شاغلین دریافت می‌کند و با توجه به ضوابط سازمان که شاغلین در سن ۶۰ سالگی بازنشسته می‌شوند، بالا بودن سن شاغلین این گروه فعالیتی تنگنای عمده‌ای در پوشش تأمین اجتماعی محسوب می‌شود. چرا که از سوئی ۲۰/۵۵ درصد شاغلین این بخش در سال مورد بررسی (۱۳۷۵) بیش از ۶۰ سال سن داشتند و در وضع موجود نیز بازنشسته محسوب می‌شوند و پوشش تأمین اجتماعی در خصوص این افراد به صورت حمایت خواهد بود و از طرفی ۱۳/۵ درصد شاغلین این گروه نیز در کمتر از ۱۰ سال آینده به سن بالای ۶۰ سال رسیده و بازنشسته می‌شوند. یعنی این گروه تنها کمتر از ۱۰ سال حق بیمه می‌پردازند و پس از این مدت تحت

حمایت قرار می‌گیرند. بنابراین بر مبنای سن ۶۰ سالگی برای بازنشستگی از کل ۲/۸ میلیون شاغل این گروه فعالیتی حدود ۵۸۰ هزار نفر در حال حاضر و کمتر از ۱۰ سال از عمر کاری ۳۷۷ هزار شاغل دیگر مانده است. نکته دیگر در خصوص ترکیب سنی شاغلین، بررسی ترکیب سنی شاغلین گروه فعالیتی صنعت ساخت است. این گروه جوان‌ترین شاغلین را دارد. میانگین سنی شاغلین این گروه ۲۸/۰۶ سال است. بیش از ۲۰ درصد شاغلین این گروه در گروه سنی (۱۹-۱۵) ساله قرار داشتند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اینان کودکان و نوجوانان خانواده‌ها هستند که به عنوان کارکن فامیلی بدون مزد به امر بافت قالی و گلیم و زیلو می‌پردازند.

وضعیت درآمد خانوارهای ساکن

بررسی‌ها نشان می‌دهد که متوسط درآمد هر فرد شاغل در مناطق روستائی کشور در سال (۱۳۸۰) سالانه معادل ۱۵۲۰۰۱۴۹ ریال بود که معادل درآمد ماهانه ۱۲۶۶۶۷۹ ریال می‌باشد. بررسی متوسط درآمد خانوارهای روستائی به تفکیک گروه‌های فعالیتی نشان می‌دهد که شاغلین گروه فعالیتی اداره امور عمومی و دفاع و تأمین اجتماعی با ۲۲۲۵۳۲۸۹ ریال در سال (درآمد ماهانه ۱۸۵۴۴۴۱ ریال) بیشترین درآمد را داشتند. پس از این گروه، گروه فعالیتی آموزش با ۲۰۷۰۰۵۰۴ ریال (درآمد ماهانه ۱۷۲۵۰۴۲ ریال) قرار دارد. در مقابل گروه فعالیتی خانوارهای دارای مستخدم با درآمد ۸۷۰۷۴۱۵ ریال در سال (ماهانه ۷۲۵۶۱۸ ریال) کمترین درآمد را داشتند. نمودار (۴) ملاحظه شود.

نمودار ۴ - متوسط درآمد خانوارهای مناطق روستائی در هر گروه فعالیتی در سال ۱۳۸۰



میلیون ریال

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق، ۱۳۸۰)

بررسی وضعیت در آمد خانوارهای روستائی بر حسب منابع در آمدی

بررسی ها نشان می دهد که ۳۱/۰۲ درصد در آمد خانوارهای مناطق روستائی وابسته به فعالیت های کشاورزی است و از این طریق تأمین می شود. ۲۲/۳ درصد در آمد، درآمدهای متفرقه و ۱۸/۴۶ درصد از مزد و حقوق بگیری بخش خصوصی، ۱۷/۲۸ درصد از مشاغل آزاد غیرکشاورزی، ۱۰/۷۶ درصد از حقوق بگیری بخش دولتی و تنها ۰/۱۸ درصد از حقوق بگیری بخش تعاونی تأمین می شود. بدین ترتیب، اولاً بیش از ۲۲ درصد در آمد خانوارهای روستائی درآمدهای اتفاقی و غیرمستمر است (متفرقه) و اندکی بیش از ۳۰ درصد نیز به فعالیت های کشاورزی وابسته است که از سویی خصلت دفعتی دارد (ماهانه توزیع نمی شود و یک یا دو بار در سال کسب می شود) و نیز تحت تأثیر اوضاع اقلیمی، وضعیت اقتصادی جامعه و بازار محصولات کشاورزی نوسانی است.

بررسی ترکیب منابع در آمدی خانوارهای روستائی در هر یک از گروه های فعالیتی نتایج زیر را نشان می دهد:

۱- در گروه فعالیتی کشاورزی حدود ۶۰ درصد در آمد خانوار از محل کشاورزی بوده است. در این گروه فعالیتی ۱۹/۱۴ درصد از در آمد متفرقه، ۱۲/۱۳ درصد از حقوق بگیری خصوصی و ۶/۸۱ درصد از مشاغل آزاد غیرکشاورزی بوده است. ناپایداری در آمد خانوارهایی که فعالیت اصلی سرپرستی خانوار کشاورزی است، کاملاً مشهود است. نزدیک به ۸۰ درصد در آمد این خانوارها درآمدهای دفعتی و نامعلوم است که به شرایط محیطی و بازار بستگی دارد.

۲- در گروه فعالیتی ماهیگیری ۴۰/۷ درصد در آمد خانوارها از محل حقوق بگیری خصوصی و ۲۷/۴۶ درصد از مشاغل آزاد کشاورزی بود. ۱۷/۶۳ درصد در آمد نیز از محل درآمدهای متفرقه بود. بدین ترتیب نزدیک به ۴۵ درصد در آمد خانوارهای این گروه فعالیتی ناپایدار بود. هر چند خصلت ماهیگیری اقتضاء می کند که حتی در آمد از محل حقوق بگیری نیز مستمر نبوده و براساس میزان صید باشد (در صدی از صید) که این خود ناپایداری بیشتری را برای این گروه در آمدی ایجاد می کند. نکته دیگر، فصلی بودن در آمد این گروه فعالیتی است که علاوه بر ناپایداری در آمد، ناپایداری شغلی را هم موجب می شود.

۳- ۳۵/۰۲ درصد در آمد خانوارهای گروه فعالیتی صنعت ساخت از محل حقوق بگیری خصوصی، ۲۲/۲ درصد از مشاغل آزاد غیرکشاورزی و ۱۶/۴۳ درصد از درآمدهای متفرقه بوده است. ترکیب در آمدی در این گروه پایداری در آمد بیشتری را نشان می دهد. در این گروه علاوه بر پایداری نسبی در آمد، پایداری نسبی شغل نیز وجود دارد. حتی شاغلین بدون مزد قالی باف در این گروه، پایداری نسبی شغلی دارند. چرا که پس از اتمام قالی، مجدداً و معمولاً در فاصله ای کم دار قالی دیگری برپا می شود.

۴- ۵۶/۵۵ درصد در آمد خانوارهای گروه فعالیتی ساختمان از محل حقوق بگیری خصوصی، ۱۹/۶۵ درصد از محل درآمدهای متفرقه و ۱۵/۳۶ درصد از محل مشاغل آزاد غیرکشاورزی بود. بدین ترتیب حدود ۲۰ درصد در آمد خانوارهای این گروه، ناپایدار بود. خصلت

ناپایداری شغلی در این گروه که ناشی از روزمزد بودن شاغلین این گروه فعالیت است، از ویژگی‌های مشخصه این گروه است. هر چند ناپایداری شغلی این گروه با ناپایداری شغلی مشاغل کشاورزی (که عمدتاً ناپایداری فصلی است) متفاوت است.

۵- در گروه فعالیتی عمده و خرده‌فروشی، ۵۹/۷۵ درصد درآمد از مشاغل آزاد غیرکشاورزی و ۱۷/۲۲ درصد از درآمدهای متفرقه بود. پایداری شغلی و پایداری درآمدی در این گروه فعالیتی بالاتر از هر گروه فعالیتی دیگر است.

۶- گروه فعالیتی هتل و رستوران، ترکیبی از فعالیت‌های مستقل (اغذیه‌فروشی‌های کوچک) و هم فعالیت‌های کارفرمائی (رستوران‌ها، متل و هتل‌های روستا و نیز بین جاده‌ای) است. همین امر موجب شده است که ترکیب منابع درآمدی خانوارهای این گروه عمدتاً از مشاغل آزاد غیرکشاورزی (۳۲/۵۶ درصد) و حقوق‌بگیری خصوصی (۳۳/۶۴ درصد) باشد. ۱۷/۲ درصد درآمد این گروه را در آمد متفرقه تشکیل می‌دهد. پایداری شغلی و درآمدی در این گروه نیز بالاست.

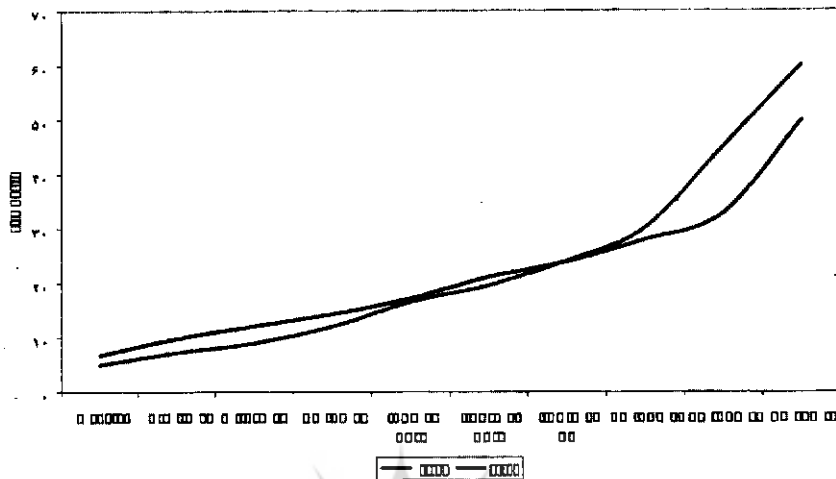
۷- در گروه فعالیتی حمل و نقل و ارتباطات و انبارداری ۵۰/۹۷ درصد درآمد از مشاغل آزاد غیرکشاورزی، ۱۷/۷ درصد از حقوق‌بگیری بخش خصوصی (کار با سرمایه و ماشین‌آلات و وسائط نقلیه دیگران) و ۱۶/۶۶ درصد از درآمدهای متفرقه بود. این گروه فعالیتی نیز عموماً پایداری درآمدی و شغلی بالائی دارد.

۸- در گروه‌های فعالیتی معدن، تأمین آب و برق و گاز، واسطه‌گری‌های مالی، آموزش، بهداشت و بخش عمده‌ای از درآمد از محل حقوق‌بگیری دولتی (معمولاً بیش از ۶۰ درصد) و حدود ۱۵ درصد یا کمتر از درآمدهای متفرقه بود. پایداری شغلی و درآمدی این گروه در بالاترین حد پایداری است.

توان پس‌انداز

هر چند بررسی درآمد و هزینه خانوارهای مناطق روستائی نشان می‌دهد که متوسط هزینه خانوارهای روستائی بیشتر از مناطق شهری است (هر چند چنین موضوعی در مناطق شهری نیز مصداق دارد). از سوی دیگر، اگر هزینه‌های خانوارهای روستائی را به تفکیک گروه‌های درآمدی مورد توجه قرار دهیم، با احتساب هزینه اجاره مسکن، تنها خانوارهایی که دارای درآمد سالانه بیش از ۲۴ میلیون ریال (ماهانه ۲ میلیون ریال) هستند، توان پس‌انداز دارند و متوسط هزینه آنها کمتر از درآمد آنهاست. نمودار (۵) تفاوت هزینه و درآمد خانوارهای مناطق روستائی را نشان می‌دهد.

نمودار ۵- مقایسه در آمد و هزینه خانوارهای روستائی و توان پس انداز آنان در سال ۱۳۸۰



(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق، ۱۳۸۰)

در بخش‌های پیشین، شناخت کلی از جامعه روستائی و ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی آن در راستای طرح تأمین اجتماعی صورت گرفت. هر چند این شناخت، شناختی نسبتاً کافی برای برنامه‌ریزی تأمین اجتماعی روستائیان می‌نماید، ضرورت ارائه تحلیل و استنتاج مبتنی بر نظام تأمین اجتماعی روستائیان کاملاً احساس می‌شود. لذا در این بخش، به ارائه تحلیل کلی از نظام تأمین اجتماعی روستائی می‌پردازیم. اما پیش از این موضوع، ذکر یک نکته ضروری است. نگرش حاکم بر این مقاله متکی بر نظام تأمین اجتماعی موجود نبوده است. به عبارت دیگر، در بررسی ویژگی‌های جامعه روستائی و تحلیل‌های صورت گرفته، اصولاً ضوابط و مقررات تأمین اجتماعی موجود را مد نظر قرار ندادیم بلکه ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفت تا نظام تأمین اجتماعی روستائی براساس این شناخت تعریف شود. در این بخش به تحلیلی کلی از تأمین اجتماعی روستائیان می‌پردازیم. مطالب این بخش که استنتاجات مراحل پیشین است، در زیربخش‌های تحقق‌پذیری تأمین اجتماعی روستائیان، جمعیت تحت پوشش و تحولات آن، ترکیب پوشش بیمه و حمایت و توان پرداخت قابل طبقه‌بندی است.

تحقق‌پذیری تأمین اجتماعی روستائیان عدالت اجتماعی

مهمترین بحث در ضرورت تأمین اجتماعی روستائیان، بحث عدالت اجتماعی است. جامعه روستائی علیرغم اینکه سهم قابل توجهی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است، به دلیل عدم تمرکز بیش از حد و پراکندگی آن در سطح سرزمین، از بسیاری از خدمات اجتماعی بی‌بهره بوده یا با سختی بسیار از آن برخوردار می‌شود. علیرغم اجرای پروژه‌های خدمات‌رسانی قابل توجهی که به مناطق روستائی پس از انقلاب صورت گرفته است، بسیاری از خدمات اجتماعی قابل ارائه نبوده و یا تاکنون در خصوص آن بحث نشده است.

از یک سو، جوامع و مشاغل روستائی یکی از پرریسک‌ترین جوامع و مشاغل محسوب می‌شود. این ریسک بالا هم برای سرمایه انسانی و هم سرمایه فیزیکی وجود دارد. بلایای طبیعی و مصنوعی، پیری و ازکارافتادگی و... از دلایل عمده این ریسک محسوب می‌شوند. هر چند بیمه حوادث می‌تواند بخشی از این ریسک را تقلیل نماید که عمدتاً نیز بخش سرمایه فیزیکی خواهد بود، اما از طرف دیگر بیمه نیروی انسانی نیز از اهمیت برخوردار است. از سوی دیگر، معمولاً سطح رفاه خانوارها در مناطق روستائی پائین‌تر از جوامع شهری است. شاید ثروتمندترین فرد روستائی در حد متوسط جامعه شهری قرار گیرد. فقر و نداری، از دست دادن سرپرست و بی‌سرپرستی، ازکارافتادگی در اثر کهولت سن و یا حوادث طبیعی و مصنوعی و کاهش شدید توان مالی، شرایط سختی را برای ساکنین جوامع روستائی ایجاد می‌کند که بحث حمایت اجتماعی را ضروری می‌سازد.

ساختار سنی جمعیت و ضرورت اقدام سریع

بررسی ساختار سنی جمعیت مناطق روستائی کشور و تحولات آن نشان داد که همانند مناطق شهری، مناطق روستائی نیز از ساختار جمعیتی جوان برخوردارند. این در حالی است که کاهش نرخ زاد و ولد و افزایش امید به زندگی در جوامع روستائی (همانند جوامع شهری) موجب می‌شود که در آینده جوامع روستائی از جمعیت مسن‌تری برخوردار باشند. به گونه‌ای که برآورد می‌شود میانگین سن جمعیت روستائی از کمتر از ۲۰ به بیش از ۳۰ سال طی دو دهه آینده افزایش یابد. این تغییرات گویای یک واقعیت اساسی است و آن اینکه اگر هم اینک بحث تأمین اجتماعی روستائیان را جدی نگیریم و به دو دهه آینده موکول نمائیم، هزینه بسیاری را به تأمین اجتماعی روستائیان تحمیل خواهیم نمود و شاید عملاً توجیه اقتصادی آن از بین برود. توضیح کامل‌تر این مسئله به این صورت است که شاغلین جوان امروز، در صورت پوشش تأمین اجتماعی، مدت نسبتاً زیادی را حق بیمه خواهند پرداخت و به منابع در آمدی تأمین اجتماعی روستائیان خواهند افزود. اما اگر ۲۰ سال بعد اقدام شود، به دلیل بالا بودن سن شاغلین، سال‌های کمتری حق بیمه خواهند پرداخت و نه تنها به منابع در آمدی تأمین اجتماعی کمتر خواهند افزود، بلکه به زودی هزینه‌های زیادی را نیز بر تأمین اجتماعی روستائیان ایجاد خواهند نمود.

کوچک شدن خانوارها و توانمندی

کاهش بعد خانوار و به تبع آن کاهش بار تکلف خانوارها، موجبات بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها را حتی با فرض عدم افزایش در آمد مهیا می‌سازد. چرا که در خانواده کوچک، در آمد صرف مخارج افراد کمتری خواهد شد. کاهش بعد خانوار در سال‌های اخیر و نزدیکی آن به حدود ۴ تا ۵ نفر در سال ۱۳۷۵ این توانائی را در خانوارهای روستائی ایجاد نموده است که بتوانند بخشی از در آمد خود را صرف آینده نامشخص خود نمایند. دیگر خانوار روستائی آن خانوار پرجمعیت نیست که هر چه در آمد دارد را صرف هزینه‌های روزمره خانواده نموده و فردا روزی جدید باشد. کاهش بعد خانوار فرصت فکر کردن به آینده نامعلوم در جامعه‌ای پرریسک را فراهم نموده است. این امر باعث می‌شود که از بعد مشارکت اجتماعی آمادگی کافی برای پذیرش تأمین اجتماعی روستائیان فراهم گردد.

افزایش سطح سواد و توانمندی

تغییر شرایط اجتماعی بویژه افزایش سطح سواد و ریشه‌کنی نسبی بی‌سوادی در مناطق روستائی، کارائی شاغلین را در هر بخش فعالیتی افزایش داده و در آمد او را بیشتر می‌کند. این امر موجب افزایش توان اقتصادی خانوارهای روستائی و بهبود شرایط اقتصادی آنان می‌گردد.

تحت پوشش بودن بسیاری از مشاغل

در بخش پنجم اشاره شد که بسیاری از شاغلین جامعه روستائی که در بخش‌هایی نظیر حمل و نقل و یا در بخش‌های دولتی فعالیت می‌کنند، تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار دارند. از سوی دیگر نهادهائی چون کمیته امداد امام خمینی یا طرح شهید رجائی و... حمایت‌هائی را از محرومین جامعه روستائی به عمل می‌آورد. اما جدا بودن نهادهای حمایتی و نهادهای بیمه‌ای و مستقل عمل کردن هر کدام از این نهادها و بویژه تعاریف مختلف آنها از فقر و محرومیت، نابسامانی مدیریتی را در این بخش می‌تواند بوجود آورد. در حالی که برخی خانوارها هم ممکن است تحت پوشش دو یا بیش از دو نهاد حمایتی باشند، ممکن است تحت پوشش بیمه‌ای نیز قرار گیرند. از سوی دیگر ممکن است بخشی نیز تحت پوشش هیچ کدام قرار نگیرند. از سوی دیگر ماهیت بسیاری از مشاغل روستائی علیرغم هم‌نام بودن با مشاغل شهری، کاملاً متفاوت است. مسلماً مکانیک یا نجاری که در مناطق شهری به فعالیت اشتغال دارد با مکانیک یا نجار روستا تفاوت دارد و سطح در آمدی مختلفی را تداعی می‌کند. عملاً نمی‌توان تحت یک عنوان قشر نجار یا مکانیک، یک بزخورد با آن داشته و با یک ضوابط خاص آن را تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار داد. در حالی که نجار یا مکانیک شهری به طور کاملاً تخصصی به فعالیت می‌پردازد و شاید در مقیاس کلان نیز تولید و فعالیت می‌کند، نجار یا مکانیک روستائی کسی است که به کار نجاری یا مکانیکی عمدتاً تراکتور تاحدودی وارد است. اما عموماً زمینی نیز برای کشاورزی دارد یا از تعدادی دام برخوردار است. این امر در خصوص

کارگران ساختمانی مشهودتر است. اینان عمدتاً کشاورزانی هستند که در فصل بیکاری کشاورزی به امر کارگری ساختمان می‌پردازند. بنابراین نمی‌توان این طیف فعالیت را با طیف مشابه فعالیت در مناطق شهری همسان در نظر گرفت و با یک ضوابط خاص با آن مواجهه نمود. چندشغلی بودن در مناطق روستائی کاملاً عادی است. هر چند در مناطق شهری نیز بسیاری از افراد چندشغله هستند، اما ماهیت چندشغلی بودن نیز در مناطق روستائی متفاوت است. در مناطق روستائی اگر طبقه‌بندی مشاغل را بسیار ریز در نظر بگیریم، یک فرد می‌تواند هم‌گندم‌کار و هم‌چغندرکار باشد. در مقیاسی کلان‌تر فرد می‌تواند در کنار زراعت خود دامدار یا باغبان نیز باشد و بالاخره در مقیاسی وسیع‌تر فرد در هر فصل سال به مقتضای اقلیم شغل‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد. این امر را به راحتی می‌توان از تنوع منابع درآمدی خانوارهای مناطق روستائی که در فصل پنجم ارائه شده است درک نمود. حتی در خصوص شاغلین صرف کشاورز نیز تنها ۶۰ درصد درآمد از محل کشاورزی صرف است. بنابراین برخورد صنفی با مقوله تأمین اجتماعی روستائیان به نظر می‌رسد نادرست و مشکل‌آفرین باشد.

سن بازنشستگی

هر چند سن بازنشستگی تقریباً در جوامع شهری نیز بی‌معنی است و بسیاری از افراد پس از بازنشسته شدن نیز به فعالیت ادامه می‌دهند، این امر در مناطق روستائی شدت بیشتری دارد. همچنین ماهیت آن نیز در جوامع شهری و روستائی متفاوت است. در حالی که در جامعه شهری عمدتاً به دلیل پائین بودن حقوق بازنشستگی و عدم کفاف زندگی افراد به اشتغال روی می‌آورند، در جامعه روستائی و بویژه در فعالیت کشاورزی ذات فعالیت ایجاب می‌نماید که فرد تا پیش از از کارافتادگی به فعالیت خود ادامه دهد. هر چه سن فرد افزایش می‌یابد، تخصص و کارائی او در کشاورزی افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر ماهیت فعالیت‌های کشاورزی به گونه‌ای است که در برخی فصول تمام افراد خانواده از پیر و جوان و زن مرد فعالیت می‌کنند و این تنها از کارافتادگان هستند که از این امر مستثنی هستند. اگر با ضوابط و مقررات نظام تأمین اجتماعی کنونی پیش رویم، بسیاری از روستائیان حتی شاید پیش از سن ۵۰ سالگی بازنشست خواهند شد. این در حالی است که سن ۵۰ سالگی برای کشاورز تازه شروع دوران طلائی و پر از تجربه محسوب می‌شود و در بسیاری موارد حتی ۳۰ سال دیگر که خود یک دوره کامل فعالیت از نظر تأمین اجتماعی روستائی است، فعالیت ادامه دارد. هیچ ضابطه و قانون نیز نمی‌تواند با این امر مقابله نماید. شاید مرور زمان و مکانیزاسیون کشاورزی تنها رهیافت تغییر نگرش روستائی باشد که تحقق آن سال‌ها طول خواهد کشید. بنابراین یکی دیگر از مواردی که قوانین و ضوابط تأمین اجتماعی موجود با شرایط روستائی سازگار نیست، سن بازنشستگی است که خود ایجاب می‌نماید تا تأمین اجتماعی روستائی با نگرش دیگری صورت گیرد.

ترکیب پوشش بیمه و حمایت

بحث حمایت‌های اجتماعی مقوله بسیار مهمی در تأمین اجتماعی است که متأسفانه بهای چندانی به آن داده نمی‌شود. در واقع تأمین اجتماعی کنونی به عنوان صندوق بیمه عمل می‌کند و بخش مکمل خود یعنی حمایت اجتماعی را دارا نیست. هر چند نهادهای دیگری نظیر کمیته امداد امام خمینی و... به این مهم می‌پردازند، اما جدا بودن دو نظام حمایت و بیمه در دو یا چند نهاد و تعاریف مختلف موجب می‌شود که علیرغم وجود نهادهای حمایتی مختلف، شاهد صحنه‌های تلخ می‌شویم. بحث حمایت اجتماعی در جوامع روستائی بیش از جوامع شهری اهمیت دارد. وجود روستاهائی که حتی با دو یا چند نخل خرما زندگی می‌کنند در کنار افت و خیز بسیار شدید قیمت محصولات کشاورزی و تغییرات بسیار شدید در آمد خانوارهای روستائی و... می‌توانند شواهدی از اهمیت حمایت اجتماعی روستائی باشند. طبق ضوابط مورد عمل تأمین اجتماعی، حتی افرادی که دارای درآمد کمتر از حداقل دستمزد هستند به عنوان بیمه شده محسوب می‌شوند و حق بیمه از آنها دریافت می‌شود و مورد حمایت نیستند. اگر قرار بر استمرار این وضعیت و تعمیم آن به جامعه روستائی باشیم، به جای تأمین اجتماعی روستائی، صندوق بیمه اجتماعی روستائی را تشکیل داده‌ایم.

بررسی هانشان می‌دهند که حدود ۲۲ درصد خانوارهای روستائی کمتر از حداقل مزد در آمد دارند. اگر حداقل مزد را معیاری برای حداقل معیشت در نظر بگیریم، در واقع ۲۲ درصد خانوارهای روستائی به جای بیمه اجتماعی به حمایت اجتماعی نیاز دارند. این امر در مشاغل مختلف متفاوت است. بنابراین برای برقراری نظام تأمین اجتماعی روستائی ضرورت جمعیت حمایت و بیمه اجتماعی و تدوین ضوابطی جدید برای مناطق روستائی کاملاً احساس می‌شود.

ساختار پایگاه شغلی

در بخش پنجم بیان شد که سهم زیادی از شاغلین بخش خصوصی مناطق روستائی کارکن مستقل، کارکن فامیلی بدون مزد و حقوق و مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی است. این امر به تفکیک بخش‌های فعالیتی مورد بررسی قرار گرفت. بویژه در مشاغل کشاورزی سهم شاغلین مستقل و کارکنان فامیلی بدون مزد چشم‌گیر و در مقابل سهم بسیار اندکی به صورت کارفرما و مزد و حقوق بگیر بودند. در کنار این موضوع، توجه به خصلت مشاغل کشاورزی و روش‌هایی که هم اینک نیز در بسیاری از مناطق روستائی برای برداشت محصول وجود دارد و کشاورزان به نوبت همگی با هم و با کمک هم به برداشت محصول می‌پردازند، ضروری است. این ساختار با ضوابط و مقررات حاکم بر تأمین اجتماعی سازگار نیست. در واقع در جامعه روستائی نمی‌توان به راحتی کارفرما را از مزد و حقوق بگیر و یا کارکن مستقل از هم تشخیص و تمییز داد. زمانی که همه کشاورزان برای برداشت محصول زمین فردی وارد مزرعه او می‌شوند، او کارفرماست. حقوقی که او به کارگزارانش پرداخت می‌کند، کمکی است که او در روزهای دیگر

به آنها در مزارعشان ارائه می‌دهد. در مقابل زمانی که فرد در مزرعه شخص دیگری با سایر کشاورزان به برداشت محصول می‌پردازد، او کارگری است که اجرت دریافتی او کمکی است که کارفرمایش در برداشت محصول به او ارائه داده است. عدم توانائی در تمییز کارفرما از غیرکارفرما و... ناسازگاری اساسی با تأمین اجتماعی فعلی محسوب می‌شود. در واقع جامعه روستائی تأمین اجتماعی متناسب و مختص و سازگار با شرایط خود را می‌طلبد.

ضرورت تدوین نظام تأمین اجتماعی روستائیان

تمام موارد فوق، ضرورت موضوع تأمین اجتماعی روستائیان و بویژه تدوین نظام مستقل تأمین اجتماعی روستائیان را بیان می‌کند. اما نظام تأمین اجتماعی روستائی باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱- متکی بر شغل نباشد. به عبارت دیگر فرد تحت پوشش تأمین اجتماعی روستائی است به دلیل اینکه روستائی است نه به دلیل اینکه کشاورز، دامدار یا هر شغل دیگری دارد. به عبارت دیگر صنفی برخورد کردن با موضوع تأمین اجتماعی روستائیان و تحت پوشش بردن صنف خاص (مثلاً زارعین و...) راه به خطا بردن است.

۲- هم بیمه و هم حمایت را دربرگیرد. برای تشخیص و جدا کردن پوشش حمایت از بیمه می‌توان سنجه‌هایی را در نظر گرفت. به عنوان مثال هر خانواری (توجه شود که خانوار نه فرد به عبارت دیگر تعداد افراد خانواده نیز مهم است) که کمتر از A هکتار زمین داشته باشد و سرمایه فیزیکی (مغازه، دستگاه، ماشین و...) او کمتر از B باشد و تعداد دام او کمتر از C باشد و... تحت پوشش حمایت و در غیر این صورت بیمه خواهد بود. ضوابط این موضوع با توجه به حداقل دستمزد و خط فقر روستائی در تدوین نظام تأمین اجتماعی روستائی با جامعیت بیشتری باید مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

۳- با توجه به امکان متفاوت بودن سکونت و اشتغال و خوابگاهی بودن برخی مناطق روستائی بویژه در نزدیکی شهرهای بزرگ، می‌توان تعریف روستائی را از نظر تأمین اجتماعی چنین تعریف نمود که هر فردی که در روستا ساکن و شاغل است و شغل او دولتی نیست، روستائی محسوب می‌شود.

۴- نظام بازنشستگی در تأمین اجتماعی روستائی می‌تواند وجود نداشته باشد و یا با شرایط متفاوتی باشد. در مقابل حق بیمه کمتری دریافت می‌شود و نیز پرداختی پس از بازنشستگی یا ازکارافتادگی متناسب با دوره‌های پرداخت بیمه باشد.

۵- پس از تدوین نظام تأمین اجتماعی مختص روستا، باید به صورت پایلوت در یکی از مناطق یا استان‌ها به صورت آزمایشی انجام شود. استان منتخب باید در عین کوچک بودن، بیشترین ترکیب مشاغل را داشته باشد. استان‌هایی نظیر استان اردبیل، همدان، مرکزی می‌توانند گزینه‌های مناسبی برای این منظور باشند.

منابع

- ۱- سعیدی، ع (۱۳۷۷). «مبانی جغرافیایی روستایی». تهران، انتشارات سمت.
- ۲- مهدوی، م (۱۳۷۷). «مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران». تهران، انتشارات سمت.
- ۳- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). «سرشماری عمومی نفوس و مسکن»، نتایج تفصیلی کل کشور و هر یک از استان‌ها (۲۵ نشریه).
- ۴- مرکز آمار ایران (۱۳۶۵). «سرشماری عمومی نفوس و مسکن»، نتایج تفصیلی کل کشور و هر یک از استان‌ها (۲۵ نشریه).
- ۵- مرکز آمار ایران (۱۳۸۰). «نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستائی».
- ۶- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). «نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستائی».
- ۷- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸). «نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستائی».
- ۸- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷). «نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستائی».
- ۹- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶). «نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستائی».
- ۱۰- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). «نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستائی».

11- Dong kim, K. (1973). Toward as sociological development Theory: A structural perspective, Rural sociology. Vol. 38 No. 4, pp (462-476).

12- Dube S.C. (1988). Modernization and development: a search for alternatives Vistall publications, new Delhi.

13- Paiva, J.F.X. (1988). The dynamics of development and social works, in Daniels. Sanders, (ED) the developmental perspective in social work. University of hawaii press.

14- Warner, w.k. (1977). structural matrix of development in G.M. beal et al (EDS), sociological perspectives of domestic development, ames: Iowa state university press, ames. p 95.

15- Weber max. class, status, party in R. bendix . (EDS), class, status and power: the free press glencol